

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

**دوگانه‌ها (تقابل‌ها) در افسانه‌ی آفرینش در قرآن و متون بندهش و زادسپرم**

استاد راهنما:

دکتر تقی پورنامداریان

استاد مشاور:

دکتر علیرضا شعبانلو

پژوهشگر:

شیدا قاسمی فیروزآبادی

اسفند ماه ۱۳۹۷

در ابتدا کمال سپاسگزاری را از استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان به عمل می‌آورم که با وجود مشغله‌های علمی بسیار، راهنمایی این پژوهش را پذیرفتند، و با حوصله‌ی فراوان، دانش گرانقدرشان را چراغ راه این دانشجو که تازه قدم در راه علم‌آموزی گذاشته است قرار دادند.

در ادامه از جناب آقای دکتر علیرضا شعبانلو که مشاوره‌ی این پایان‌نامه را به عهده گرفتند کمال تشکر را دارم. ایشان نه تنها در کلاس‌های پرمفعت دوره‌ی کارشناسی ارشد، بلکه در طول مسیر پایان‌نامه، اینجانب را از دانش و تجربه‌ی فراوانشان در حیطه‌ی اسطوره‌شناسی بهره‌مند ساختند.

نسبت به جناب آقای دکتر سامان قاسمی فیروزآبادی، که در تمام طول راه پایان‌نامه، همراه من بودند و با تجربه و دانش خود در حوزه‌ی ساختار اسطوره‌ی ایرانی گره از کار پژوهش گشوده و مسیر تحقیق را روشن می‌کردند نهایت قدردانی خود را اعلام می‌کنم.

در نهایت از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به خصوص اعضای محترم دانشکده‌ی ادبیات و زبان فارسی که امکان تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، آموزش دروس ارزشمند، و انجام تحقیق پیش‌رو را در اختیار من قرار دادند، از جان و دل سپاسگزاری می‌کنم.

تقدیم به همسر مهربانم

و تقدیم به خانواده‌ی نازنینم

که بهترین همراهان زندگی‌اند

## چکیده فارسی:

امروزه تئوری‌پردازی در ادبیات نیاز به پژوهش‌های بنیادین فلسفی و انسان‌شناسانه دارد. یکی از موضوعات تأثیرگذار، هم در شناخت معنای آثار و هم در تعریف ماهیت ادبیات، دوگانه‌ها هستند. مطالعه‌ی دوگانه‌ها و شناخت آن‌ها زیرساخت بسیاری از مطالعات بعدی قرار می‌گیرد. دوگانه‌ها با تأثیرات خوب یا بد بر جهان ما، همه‌جا را پر کرده‌اند، و نقش مهمی هم در ارتباطات ما و هم در ادبیات ما دارند. بنابراین پژوهش بر روی دوگانه‌ها راهگشا و مفید خواهد بود. با این همه توجه معاصر به موضوع مذکور، علی‌رغم هوشمندانه بودن بسیاری از پژوهش‌ها، جای بسیاری برای پژوهش‌های آتی در این زمینه باقی مانده است. ساختارگرایی به عنوان ابزاری مناسب برای مطالعه‌ی دوگانه‌ها شناخته شده است. برخی ساختارگرایان باور دارند بر روابط میان اجزای روایت قوانینی عام و نامرئی حاکم است. بررسی ساختاری متون مرتبط به هم این قوانین را روشن می‌کند و ما را به ملاحظات معناشناختی برون‌متنی راهنمایی می‌کند. بنابراین نگارندگان این پژوهش، برای شناخت قوانین حاکم بر روابط میان دوگانه‌ها به مطالعه‌ی تطبیقی داستان آفرینش روی آورده‌اند. دلیل انتخاب متون عامه مانند حکایت و اسطوره، غلبه‌ی وجه ساختاری در اسطوره است. در این پژوهش داستان آفرینش در قرآن و دو متن زرتشتی (بندهش و زادسپرم) برای تطبیق انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب بندهش و زادسپرم، تجلی اندیشه‌ی زروانی در آن‌هاست، زروان مبدا واحد جهان است و احتمال یافتن ساختار مشترک با قرآن را بیشتر می‌کند. برای دست یافتن به ساختار مشترک داستان آفرینش، با مطالعه‌ی دقیق متون قرآن و تورات، بندهش و زادسپرم، روایت‌های مربوط و همچنین داستان‌های ملل دیگر، رخدادها یا روابط تکرارشونده به عنوان اسطوره‌واح‌های معنادار جدا شدند. بر اساس این روابط، ساختاری فرضی ساخته شد. این فرضیه مبنای خواندن دوباره متون قرار گرفت. متن‌ها فرضیه را رد یا اصلاح کرده و روابط معنادار جدید و ساختار فرضی اصلاح شده‌ای ایجاد شد. متون دوباره بر اساس این فرضیات مطالعه و بررسی شدند. این مراحل آنقدر تکرار شد تا متن‌ها ساختار به دست‌آمده را تأیید کرده و ساختار توانایی توجیه رویدادهای متن را یافت. این ساختار به عنوان ساختاری قابل ارائه، پیشنهاد شد. طبق این ساختار دوگانه‌های اصلی داستان آفرینش، دوگانه‌های جهان ظلمت یا پنهان در برابر جهان نور یا پیدا به علاوه‌ی دوگانه‌ی مذکر یا جان و مینو در برابر مونث یا ماده و تن است. از ترکیب این دوگانه‌ها چهار شخصیت مذکر روشن، مونث روشن، مذکر تاریک و مونث تاریک ایجاد می‌شود. در جهان روشن و تاریک مشکلی وجود دارد و آن ناباروری مونث روشن و مذکر تاریک است. بنابراین دو جهان برای آفرینش، با هم همکاری کرده و وارد معامله می‌شوند. مونث تاریک که باروری مونث دارد (یعنی توانایی زاییدن تن دارد)، این باروری را به مونث روشن بخشیده، در عوض مذکر روشن که باروری مذکر دارد (یعنی توانایی جان بخشیدن دارد) این باروری را به مذکر تاریک می‌بخشد. اما آزاد کردن این باروری‌ها از طریق آیین قربانی اتفاق می‌افتد. در مرحله‌ی اول مذکر تاریک قربانی شده، و نیروی باروری‌اش آزاد می‌شود و در جهان اولین نمونه‌ها خلق می‌شوند. در مرحله‌ی دوم مونث روشن قربانی شده، نیروی باروری‌اش آزاد می‌شود و در جهان برکت آغاز می‌شود. این تبادل بر اساس پیمانی شکل گرفته که خداوند برتر قاضی آن است و زمانی محدود دارد. در پایان زمان، طبق پیش‌گویی ادیان، جهان روشن برنده‌ی قضاوت بزرگ خواهد بود و تن پسین یا آفرینش مادی پاک آغاز شده و تا ابد ادامه خواهد یافت.

## فهرست:

|                                                          |    |
|----------------------------------------------------------|----|
| فصل اول: طرح تحقیق .....                                 | ۲  |
| ۱ طرح موضوع یا طرح مساله .....                           | ۳  |
| ۲ قلمرو پژوهش .....                                      | ۵  |
| ۳ اهمیت و ضرورت پژوهش .....                              | ۵  |
| ۴ اهداف پژوهش .....                                      | ۵  |
| ۵ نوع پژوهش .....                                        | ۵  |
| ۶ سوالات پژوهش .....                                     | ۵  |
| ۷ فرضیه‌های پژوهش .....                                  | ۶  |
| ۸ تعریف واژه‌های مهم و کلیدی .....                       | ۶  |
| ۹ روش جمع‌آوری اطلاعات .....                             | ۶  |
| ۱۰ روش پژوهش .....                                       | ۶  |
| فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوعی و مباحث نظری .....       | ۷  |
| ۱ چهارچوب نظری .....                                     | ۸  |
| ۱.۱ ساختارگرایی: .....                                   | ۸  |
| ۱.۲ مطالعه‌ی نظام .....                                  | ۱۰ |
| ۱.۳ دوگانه .....                                         | ۱۳ |
| ۲ پیشینه‌ی پژوهش بر مطالعه‌ی ساختاری دوگانه‌ها .....     | ۱۴ |
| ۲.۱ کلود لوی استروس .....                                | ۱۴ |
| ۲.۲ پژوهشگران دیگر .....                                 | ۱۵ |
| ۲.۳ اتین سوریهو .....                                    | ۱۵ |
| ۲.۴ ولادیمیر پراپ .....                                  | ۱۶ |
| ۲.۵ گرماس و تقابل‌های دوتایی .....                       | ۱۷ |
| ۲.۶ برمون .....                                          | ۱۹ |
| ۲.۷ آلن فاستر .....                                      | ۲۰ |
| ۲.۸ جمع‌بندی مطالعات انجام شده بر ساختار دوگانه‌ها ..... | ۲۱ |

|            |                                                       |    |
|------------|-------------------------------------------------------|----|
| ۲۰.۹       | چرا دوگانه‌ها در افسانه‌ی آفرینش؟                     | ۲۱ |
| ۲۰.۱۰      | ادامه‌ی پیشینه‌ی پژوهش بر اسطوره‌شناسی ساختاری-تطبیقی | ۲۲ |
| ۳          | پیشینه‌ی پژوهش مربوط به تطبیق افسانه‌های آفرینش       | ۲۴ |
| فصل سوم:   | مقدمه‌ای در باب داستان آفرینش                         | ۲۷ |
| ۱          | آغاز جهان با آب، تاریکی، فضای بیکران، نهان‌بودگی      | ۲۸ |
| ۲          | خدای مقدم                                             | ۳۰ |
| ۳          | خدای آفریننده، روشنایی مذکر آغازین                    | ۳۰ |
| ۴          | خدای دیگر، پسر و همسر تاریکی آغازین                   | ۳۲ |
| ۵          | دختر و همسر روشنایی آغازین                            | ۳۲ |
| فصل چهارم: | بندهش و زادسپرم (دین زروانی ایرانی)                   | ۳۴ |
| ۱          | داستان آفرینش در بندهش و زادسپرم                      | ۳۶ |
| ۱.۱        | بهار: مینو نزد هرمزد و ماده نزد اهریمن                | ۳۶ |
| ۱.۲        | تابستان: خلقت اولین‌ها                                | ۳۸ |
| ۱.۳        | پاییز: برکت یافتن                                     | ۴۲ |
| ۲          | شرح نکات ساختاری در داستان آفرینش در بندهش و زادسپرم  | ۴۴ |
| ۳          | شرح ساختار داستان آفرینش در بندهش و زادسپرم           | ۴۵ |
| ۳.۱        | فصل بهار: چرخه‌ی اول                                  | ۴۵ |
| ۳.۲        | تابستان: خلقت اولین‌ها                                | ۴۸ |
| ۳.۳        | فصل پاییز: برکت                                       | ۵۵ |
| ۴          | خلاصه‌ی ساختار                                        | ۵۹ |
| ۵          | وای و آز                                              | ۶۱ |
| فصل پنجم:  | تورات و قرآن (دین ابراهیمی)                           | ۶۳ |
| ۱          | داستان آفرینش در تورات                                | ۶۴ |
| ۱.۱        | باب اول: آفرینش آسمان‌ها و زمین                       | ۶۴ |
| ۱.۲        | باب دوم: آفرینش آدم                                   | ۶۷ |
| ۲          | داستان آفرینش در قرآن                                 | ۷۰ |

|       |                                                             |     |
|-------|-------------------------------------------------------------|-----|
| ۲.۱   | آفرینش آسمان‌ها و زمین در قرآن.....                         | ۷۰  |
| ۲.۲   | آفرینش انسان در قرآن:.....                                  | ۷۵  |
| ۳     | نکات ساختاری در داستان آفرینش آسمان‌ها و زمین در تورات..... | ۸۳  |
| ۴     | شرح ساختار آفرینش آسمانها و زمین، در دین ابراهیمی.....      | ۸۵  |
| ۴.۱   | آغاز جهان: خدا و آب.....                                    | ۸۵  |
| ۴.۱.۱ | آغاز جهان در قرآن.....                                      | ۸۶  |
| ۴.۲   | آفرینش نور (پیدایی روز و شب).....                           | ۸۶  |
| ۴.۲.۱ | آفرینش نور (روز و شب) در اسلام.....                         | ۸۷  |
| ۴.۳   | آفرینش آسمان.....                                           | ۸۷  |
| ۴.۴   | زمین و دریا.....                                            | ۸۸  |
| ۴.۵   | تبادل جهان روشن و تاریک.....                                | ۸۸  |
| ۴.۵.۱ | آسمان و زمین در قرآن.....                                   | ۹۰  |
| ۴.۶   | خلقت نوع حیوانات و نوع بشر و برکت دادن به ایشان.....        | ۹۱  |
| ۴.۶.۱ | خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز.....                         | ۹۱  |
| ۵     | شرح نکات ساختاری داستان افرینش آدم در قرآن و تورات.....     | ۹۳  |
| ۵.۱   | نقش آدم و نام‌گذاری او در ساختار قرآن و تورات.....          | ۹۳  |
| ۵.۱.۱ | نام‌گذاری در تورات.....                                     | ۹۴  |
| ۵.۱.۲ | قلم اولین آفریده‌ی خدا.....                                 | ۹۵  |
| ۵.۲   | دو درخت.....                                                | ۹۶  |
| ۵.۲.۱ | پادشاهی متعلق به اهریمن یا ابلیس است.....                   | ۹۶  |
| ۵.۲.۲ | بازگشت به ماجرای دو درخت.....                               | ۹۸  |
| ۵.۲.۳ | دانش نیک و بد متعلق به سرزمین تاریکی‌ست.....                | ۹۹  |
| ۵.۲.۴ | نقش ساختاری دو درخت بهشت.....                               | ۱۰۱ |
| ۶     | شرح ساختار آفرینش آدم در دین ابراهیمی.....                  | ۱۰۲ |
| ۶.۱   | الله و فرشتگان در ابتدای قصه.....                           | ۱۰۲ |
| ۶.۲   | حضور آدم.....                                               | ۱۰۳ |
| ۶.۳   | فرمان سجده.....                                             | ۱۰۳ |

|       |                                                                   |     |
|-------|-------------------------------------------------------------------|-----|
| ۶.۴   | حضور ابلیس                                                        | ۱۰۴ |
| ۶.۵   | تولد زوج آدم                                                      | ۱۰۴ |
| ۶.۶   | کامل شدن چهار عضو چرخه در کنار هم                                 | ۱۰۵ |
| ۶.۷   | سجده نکردن ابلیس بر آدم و گفتوگوی الله با او                      | ۱۰۵ |
| ۶.۷.۱ | اجل مسمی در قرآن و زمان درنگ خدای در دین زروانی                   | ۱۰۷ |
| ۶.۸   | قرار گرفتن آدم و زوجش در بهشت                                     | ۱۱۰ |
| ۶.۸.۱ | دور رانده شدن زمین و بارور شدن آن در قرآن                         | ۱۱۲ |
| ۶.۹   | زشتی پنهان در آفرینش                                              | ۱۱۳ |
| ۶.۱۰  | افرینش و برکت                                                     | ۱۱۳ |
| ۶.۱۱  | نقش ساختاری آدم و حوا در دین ابراهیمی                             | ۱۱۳ |
| ۷     | تطبیق فصول آفرینش ایرانی با روزهای آفرینش ابراهیمی                | ۱۱۵ |
| ۷.۱   | ادامه‌ی نسل بشر و ادامه‌ی نسل جن:                                 | ۱۱۸ |
|       | بحث، تفسیر و استنتاج                                              | ۱۲۰ |
| ۱     | آب تاریک (مونث تاریک) در آغاز جهان                                | ۱۲۱ |
| ۲     | خلقت مذکر روشن (باد یا نور)                                       | ۱۲۲ |
| ۲.۱   | مذکر روشن مفرد و مونث تاریک جمع است.                              | ۱۲۴ |
| ۳     | پدیدار شدن مذکر تاریک                                             | ۱۲۴ |
| ۳.۱   | خداوند برتر دل با مذکر روشن دارد.                                 | ۱۲۶ |
| ۴     | خلقت یا پدیداری مونث روشن (زمین)                                  | ۱۲۶ |
| ۵     | ناباروری مذکر تاریک و مونث روشن                                   | ۱۲۷ |
| ۶     | خلاصه‌ی فصل بهار آفرینش                                           | ۱۲۸ |
| ۷     | دعوت جهان روشن از جهان تاریک برای ستایش کردن آن                   | ۱۲۹ |
| ۸     | بسته شدن قرارداد میان جهان تاریک و جهان روشن با داوری خداوند برتر | ۱۳۰ |
| ۹     | خلق زمان محدود برای تعیین قرارداد                                 | ۱۳۲ |
| ۱۰    | بخشیدن پادشاهی به اهریمن یا ابلیس                                 | ۱۳۲ |
| ۱۱    | خلق وای/آسمان/درخت حیات و قربانی کردن مذکر تاریک                  | ۱۳۲ |

|    |                                                                 |     |
|----|-----------------------------------------------------------------|-----|
| ۱۲ | آزاد شدن نیروی باروری مذکر تاریک و کامل شدن چرخه‌ی آفرینش ..... | ۱۳۴ |
| ۱۳ | خلاصه‌ی فصل تابستان.....                                        | ۱۳۷ |
| ۱۴ | خلقت آز/ درخت نیک‌وید و قربانی کردن مونث روشن .....             | ۱۳۸ |
| ۱۵ | آزاد شدن نیروی باروری مونث روشن و کامل شدن چرخه‌ی برکت .....    | ۱۳۹ |
| ۱۶ | خداوند به آفرینش زن بی‌تمایل است. ....                          | ۱۴۱ |
| ۱۷ | اختیار .....                                                    | ۱۴۲ |
| ۱۸ | تاریکی اهریمنی نیست .....                                       | ۱۴۲ |
| ۱۹ | مروری بر ساختار کلی و مثال‌های چرخه‌ی آفرینش .....              | ۱۴۳ |
| ۲۰ | جدول دوگانه‌ها.....                                             | ۱۴۵ |
|    | نظر نهایی .....                                                 | ۱۴۶ |
|    | محدودیت‌های پژوهش .....                                         | ۱۴۶ |
|    | پیشنهادات .....                                                 | ۱۴۷ |
|    | ضمیمه‌ی اول در تایید ناباروری مونث روشن و مذکر تاریک .....      | ۱۴۸ |
|    | ضمیمه دوم در تایید ارتباط وای و اهونور .....                    | ۱۵۰ |
|    | منابع .....                                                     | ۱۵۹ |

## فهرست شکل‌ها

- شکل ۴-۱: نمودار خلقت در جهان روشن و جهان تاریک بدون در نظر گرفتن ارتباط دو جهان با هم..... ۴۷
- شکل ۴-۲: اعضای چرخه‌ی آغازین خلقت در فصل بهار..... ۴۸
- شکل ۴-۳: کامل شدن ارتباط چرخه‌ی اول و تولد عناصر چرخه‌ی دوم..... ۵۴
- شکل ۴-۴: اعضای چرخه‌ی تابستان: تولد اولین‌ها..... ۵۵
- شکل ۴-۵: تبادل در چرخه‌ی تابستان و آزاد شدن نیروی برکت..... ۵۸
- شکل ۴-۶: دو عضو اول چرخه که بارورند..... ۵۹
- شکل ۴-۷: کامل شدن اعضای چرخه با دو عضو نابارور..... ۵۹
- شکل ۴-۸: روند کلی تبادل باروری و تولد عناصر چرخه‌ی بعد..... ۶۱
- شکل ۵-۱: چرخه‌ی آغازین در ادیان ابراهیمی..... ۹۲
- شکل ۵-۲: اعضای چرخه‌ی آغازین آفرینش آدم..... ۱۰۵
- شکل ۵-۳: ساختار چرخه‌های آفرینش و برکت در داستان آفرینش آدم در دین ابراهیمی..... ۱۱۷
- شکل ۵-۴: شکل‌گیری چرخه بر اساس عناصر چهارگانه و تولد در جهان پیدا و ناپیدا..... ۱۱۹
- شکل ۶-۱: کامل شدن چرخه‌ی آفرینش و تولد اولین نمونه‌ها..... ۱۳۵
- شکل ۶-۲: کامل شدن چرخه‌ی برکت و برکت یافتن مخلوقات..... ۱۴۰

## فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۲: تقابل شخصیت‌های سورویو و پراپ از نظر گرماس ..... ۱۸
- جدول ۱-۶: تطبیق عنصر مونث تاریک آغازین در متون مورد بررسی ..... ۱۲۲
- جدول ۲-۶: تطبیق عنصر مذکر روشن آغازین در متون مورد بررسی ..... ۱۲۴
- جدول ۳-۶: تطبیق عنصر مذکر تاریک در چرخه‌ی آغازین در متون مورد بررسی ..... ۱۲۵
- جدول ۴-۶: تطبیق عنصر ساختاری اراده‌ی خداوند بر آفرینش مذکر روشن ..... ۱۲۶
- جدول ۵-۶: تطبیق مرحله‌ی پیدایی یا خلقت مونث روشن در چرخه‌ی آغازین ..... ۱۲۷
- جدول ۶-۶: تطبیق عنصر ساختاری ناباروری مونث روشن و مذکر تاریک ..... ۱۲۸
- جدول ۷-۶: تطبیق مرحله‌ی فصل اول آفرینش ..... ۱۲۹
- جدول ۸-۶: تطبیق مرحله‌ی ساختاری دعوت جهان روشن از جهان تاریک برای ستایش او ..... ۱۳۰
- جدول ۹-۶: تطبیق مرحله‌ی بسته شدن قرارداد میان جهان روشن و تاریک ..... ۱۳۱
- جدول ۱۰-۶: تطبیق مرحله خلقت سلاح روشنی و قربانی کردن مذکر تاریک ..... ۱۳۴
- جدول ۱۱-۶: تطبیق مرحله‌ی آزاد شدن نیروی آفرینش و شکل‌گیری چرخه‌ی دوم ..... ۱۳۶
- جدول ۱۲-۶: تطبیق فصل دوم آفرینش ..... ۱۳۷
- جدول ۱۳-۶: تطبیق مرحله خلقت سلاح تاریکی و قربانی کردن مونث روشن ..... ۱۳۹
- جدول ۱۴-۶: تطبیق مرحله‌ی آزاد شدن نیروی برکت و شکل‌گیری چرخه‌ی بعد ..... ۱۴۱
- جدول ۱۵-۶: تطبیق عنصر ساختاری بی‌تمایلی خداوند به آفرینش زن ..... ۱۴۲
- جدول ۱۶-۶: بررسی ساختار کلی داستان آفرینش ..... ۱۴۳
- جدول ۱۷-۶: فهرست دوگانه‌ها در چرخه‌ی اول (بهار) ..... ۱۴۵
- جدول ۱۸-۶: فهرست دوگانه‌ها در چرخه‌ی دوم (تابستان) ..... ۱۴۶
- جدول ۱۹-۶: فهرست دوگانه‌ها در چرخه‌ی سوم (پاییز) ..... ۱۴۶

## پیشگفتار:

این پایان‌نامه با هدف مطالعه‌ی فلسفه و ادبیات آغاز شد، اما مانند تمام مطالعات در این زمینه به دوگانه‌ی فلسفه و ادبیات انجامید. در این مرحله بود که نگارنده به پژوهشی بنیادین بر روی دوگانه‌ها و ساختار آن‌ها روی آورد. و برای رسیدن به این هدف، مطالعه‌ی متن داستان‌های آفرینش را که متعلق به ادبیات عامه و اسطوره است و ساختار در آن پیچیدگی و پنهانی کمتری نسبت به ادبیات مدرن دارد انتخاب شد. در فصل اول به اهمیت موضوع و معرفی مساله پرداخته شده است. در فصل دوم، ساختارگرایی و اهمیت دوگانه‌ها شرح داده شده است. در فصل سوم با عنوان «در باب داستان آفرینش»، عناصر ساختاری مشترک در افسانه‌های آفرینش ملل که به روشن شدن ساختار پژوهش کمک می‌کنند، به طور خلاصه بیان شده‌اند. در فصل چهارم با عنوان «بندھش و زادسپرم» داستان آفرینش در این دو کتاب به صورت تطبیقی ارائه شده است. سپس ساختار داستان آفرینش در متون زروانی مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل پنجم با عنوان «تورات و قرآن» به صورت مشابه فصل قبل، ابتدا داستان آفرینش در هر کدام از این دو کتاب ارائه شده و در ادامه ساختار داستان آفرینش در دین ابراهیمی بررسی شده است. در فصل آخر که فصل جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است ساختار آفرینش در دو دین ابراهیمی و ایرانی منطبق گشته و ساختار نهایی ارائه شده است. هدف از پژوهش به دست آمدن دوگانه‌های بنیادین در داستان آفرینش و روشن شدن شیوه‌ی رفتار و ساختار آن‌ها بود که در حد این پژوهش برآورده شد.

## فصل اول: طرح تحقیق

در این فصل به بیان کلیات پایان نامه، از جمله موضوع و مساله‌ی تحقیق، هدف و ضرورت انجام آن می‌پردازیم.

## ۱ طرح موضوع یا طرح مساله

این پژوهش با مطالعه‌ی فلسفه و ادبیات، با هدف تعریف ماهیت ادبیات آغاز شد، اما نگرانده با برخورد به دوگانه‌ی فلسفه و ادبیات به این نتیجه رسید که به مطالعات مقدماتی بر روی دوگانه‌ها احتیاج دارد، مطالعاتی که می‌تواند گره از ادامه‌ی مسیر تئوری‌پردازی‌های ادبی باز کند.

امروزه تئوری‌پردازی در ادبیات نیاز به پژوهش‌های بنیادین فلسفی و انسان‌شناسانه دارد. یکی از موضوعات تأثیرگذار در تعیین ادبیات هم در عرصه‌ی معنی و هم در عرصه‌ی ماهیت، دوگانه‌ها هستند. مطالعه‌ی دوگانه‌ها و شناخت آن‌ها زیرساخت بسیاری از مطالعات بعدی از جمله تئوری‌های ادبی و شناخت بهتر معنای آثار قرار می‌گیرد. دوگانه‌ها همان قدر که در درک ما از جهان اهمیت دارند، در عرصه‌ی ادبیات و روایت نقش ایفا می‌کنند. گرماس معتقد بود هر روایتی، داستان کنش بین دوگانه‌های پس زمینه‌ی ذهن ماست که شخصیت پیدا کرده‌اند (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۴۷)، و لوی استروس باور داشت که روایت شکل می‌گیرد به این امید که دوگانه‌ای در ذهن بشر را به سازش برساند (مختاریان ۱۳۹۵). معنا در قصه‌های عامیانه از طریق دوگانه‌ها آشکار می‌شوند، قصه‌هایی مثل حکایت پریان یا اسطوره‌ها، نهاد پرورش دوگانه‌ها هستند (Foster ۲۰۰۰، ۲۵). دوگانه‌ها با تاثیرات خوب یا بد بر جهان ما، همه‌جا را پر کرده‌اند، و نقش مهمی هم در ارتباطات ما و هم در ادبیات ما دارند. بنابراین شناخت آن‌ها و پژوهش بر روی آن‌ها راهگشا و مفید خواهد بود.

با این همه توجه معاصر به دوگانه‌ها، علی‌رغم هوشمندانه بودن بسیاری از پژوهش‌هایی که بر روی آن‌ها انجام شده است، نتیجه‌ی رضایت‌بخشی از این مطالعات به دست نیامده است. نرسیدن به این دست‌آورد ناشی از ادغام دوگانه‌ها با ذهن بشر است و پنهان شدن آن‌ها به گونه‌ای که دنبال کردن

ردپایشان سخت می‌شود. ما به دشواری می‌توانیم دریابیم دوگانه‌ها از کجا نشأت می‌گیرند؟ به کجا رهسپارند؟ چه چیزی سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کند؟ غایت آن‌ها چیست؟ بازیگران صحنه کیستند و چه ارتباطی با هم دارند؟ و یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها همان است که استروس در دوگانه‌ها و اسطوره‌ها دنبال می‌کرد: چه پیامی برای ما دارند؟ (مندلباوم ۱۳۹۵) اما به دلیل همین ادغام با روایت که مطالعه‌ی دوگانه‌ها را سخت می‌کند، ساختارگرایی می‌تواند بهترین انتخاب باشد، شاید که از خودمان فاصله بگیریم و ساختاری مشترک برای آن‌ها بیابیم که آن انفجار آگاهی را که اسکولز به ما وعده داده بود به ارمغان بیاورد.

ساختارگرایی شاید نظریه‌ای باشد که بیش‌ترین اهمیت را به دوگانه‌ها داده است و روی آن‌ها مطالعه کرده است. هر جا که نام دوگانه‌ها را ببریم به احتمال زیاد نام کلود لوی استروس را خواهیم شنید. کلود لوی-استروس اسطوره را به عنوان مصالح برای مطالعاتش انتخاب کرد زیرا باور داشت در آن ناخودآگاه بشر به جلوه درآمده است و می‌شود از طریق آن ذهن انسان را شناخت (اسکولز ۱۳۹۳، ۲۱ و ۱۳۶). او معتقد بود در اسطوره ساختار تضادهای دوگانه به نمایش در می‌آیند و منطق اسطوره می‌کوشد این تضادهای دوگانه را به جفت‌های متقابل تنظیم کند و با میانجی‌هایی از تضاد آن‌ها بکاهد (مختاریان ۱۳۹۵). او ساختارگرایی را تنها راه کدگشایی این روابط می‌دانست و هدفش پی‌بردن به منطق دوگانه‌ی ذهن از طریق اسطوره بود (مندلباوم ۱۳۹۵)، گرماس، برمون، اسکولز و دیگران نیز به مطالعه‌ی ساختار دوگانه‌ها از طریق حکایات و اسطوره‌ها پرداخته‌اند و برای یافتن فرم بسیط دوگانه‌ها یا توضیح ساختار روایت بر اساس جفت‌های متقابل تلاش کرده‌اند (اسکولز ۱۳۹۳).

ساختارگرایی برای مطالعه‌ی ادبیات اسطوره‌ای که در فرهنگ متفاوتی نسبت به فرهنگ خواننده‌ی امروز خلق شده است ابزار مناسبی است (اسکولز ۱۳۹۳، ۲۴). چرا که ساختار بیش‌تر از هر وجه دیگری از روایت قابل ترجمه است (اسکولز ۱۳۹۳، ۹۴-۹۵) و می‌تواند با کم‌ترین دست‌خوردگی بین قرون و قاره‌ها جابه‌جا شود. آگاهی اصلی ساختارگرایی این است که معنا نه در اجزا بلکه در رابطه‌ی آن‌ها به عنوان بخشی از یک نظام یافت می‌شود (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۸). تودوروف معتقد است که بر روابط میان اجزای روایت قوانینی عام و نامرئی حاکم است. این قوانین چون از سوی جامعه‌ی فرهنگی مسلم فرض می‌شوند به بیان در نمی‌آیند. بررسی ساختاری متون مرتبط به هم این قوانین را روشن می‌کند و ما را به ملاحظات معناشناختی برون‌متنی راهنمایی می‌کند (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۶۴). بنابراین ما برای شناخت قوانین حاکم بر روابط میان دوگانه‌ها به مطالعه‌ی تطبیقی داستان آفرینش روی آورده‌ایم.

دلیل انتخاب متون عامه مانند حکایت و اسطوره غلبه‌ی وجه ساختاری در اسطوره است (اسکولز ۱۳۹۳، ۹۵). کیگان معتقد است ساختار دوگانه در ادبیات مدرن نسبت به ادبیات کلاسیک یا اسطوره‌ها در سیستم‌های پیچیده‌تری پنهان شده است (Foster ۲۰۰۰، ۲۰). بنابراین بهتر است در مراحل آغازین از اسطوره کمک بگیریم. به علاوه افسانه‌ی آفرینش که پاسخی برای مهم‌ترین سؤال‌های انسان‌ها ارائه

کرده‌است عرصه‌ی جولان دوگانه‌هاست. ازاین رو ما برای شروع تحقیقات خود تطبیق افسانه‌ی افرینش در قرآن و دو متن زرتشتی (بندهش و زادسپرم) را انتخاب کردیم. دلیل انتخاب بندهش و زادسپرم، تجلی اندیشه‌ی زروانی در آن‌هاست که در آن زروان مبدا واحد جهان است و احتمال یافتن ساختار مشترک با قرآن را بیشتر می‌کند.

## ۲ قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: ایران

ب) قلمرو زمانی: قرون اول هجری

ج) قلمرو موضوعی: ساختار دوگانه‌ها در افسانه‌ی افرینش

## ۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

عدم شناخت دوگانه‌ها بسیاری از مطالعات ادبی را با بن‌بست روبه‌رو می‌کند. هم در عمق مطالعات فلسفه‌ی ادبیات و هم در خوانش متون، به دوگانه‌ها می‌رسیم و پس از آن مسیر مبهم می‌شود. خود دوگانه‌ی فلسفه و ادبیات دوگانه‌ی مهم و حل نشده‌ایست که می‌توان دنباله‌ی آن‌را از زمان سقراط تا قرن بیستم و کتاب ستیز شعر و فلسفه‌ی استنلی روزن دنبال کرد. از طرف دیگر در بوطیقای روایت بارها به دوگانه‌ها برخورد کرده‌ایم و در همان حوالی متوقف شده‌ایم (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۴۵-۱۶۰). شناخت ساختار دوگانه‌ها می‌تواند شروعی دوباره برای تئوری‌پردازی‌ها و همچنین خوانش‌های ادبی باشد. برای این شناخت تلاش‌های بسیاری شده است اما هنوز کافی نیست؛ و محققین زیادی باید ادامه‌ی مسیر یکدیگر را پی بگیرند تا این پژوهش به مقصد برسد.

## ۴ اهداف پژوهش

هدف این پژوهش یافتن ساختار مشترک دوگانه‌ها در روایات افسانه‌ی افرینش است. تلاش ما بر یافتن فرم بسیط دوگانه‌هاست برای روشن شدن روایت آن‌ها بر اساس اجزایشان و روابطی که با هم برقرار می‌کنند.

## ۵ نوع پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی است

## ۶ سوالات پژوهش

۱. دوگانه‌های اصلی در داستان افرینش در قرآن و متون بندهش و زادسپرم کدام‌ها هستند؟
۲. روایت افرینش در قرآن و متون بندهش و زادسپرم از چه ساختاری پیروی می‌کنند؟

۳. ارتباط دوگانه‌ها در این ساختار چه الگویی دارد؟

## ۷ فرضیه‌های پژوهش

۱. یکی از دوگانه‌های اصلی در روایات آفرینش دوگانه نور و ظلمت است.
۲. ساختار داستان آفرینش در قرآن و متون بندهش و زادسپرم مبتنی بر ارتباط دوگانه‌ها است.
۳. ارتباط مذکور در فرض قبل از چند الگوی ثابت پیروی می‌کند.

## ۸ تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

دوگانه: مجموعه‌ی دو اصطلاح یا مفهوم که هر کدام آن است که دیگری نیست، مانند روز/شب که روز آن چیزی است که شب نیست. هر کدام از دو سوی تقابل توسط سوی دیگر معنا پیدا می‌کنند مثلاً اگر خوب نباشد بد شناخته نمی‌شود.

اسطوره: نوعی از تفسیر و برداشت انسان از جهان هستی است که معمولاً فرمی داستانی دارد، از نخستین‌های آرمانی حکایت می‌کند و قداست در آن نقشی محوری دارد. اسطوره از دیدگاه لوی استروس در پشت مصالح روایی وجود دارد و باید با استفاده از این مصالح دوباره ساخته و کشف شود تا پیامی که از سوی فرهنگ به اعضای جامعه می‌رساند آشکار شود (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۰۳).

فرم بسیط: از دیدگاه یولس فرم بسیط، اصلی ساختار دهنده است که تعدادی محدود دارد و در همه‌ی جهان مشترک است. فرم بسیط در قصه‌های عامیانه تحقق می‌یابد. فرم بسیط یک امکان تحقق نیافته اما خاص ساختاری‌ست که وقتی اسطوره یا لطیفه یا مانند آن پرورده می‌شود عینیت می‌یابد. (اسکولز ۱۳۹۳، ۶۹-۷۰)

## ۹ روش جمع‌آوری اطلاعات

بررسی اسناد و مدارک علمی و مطالعه‌ی کتابخانه‌ای

## ۱۰ روش پژوهش

این پژوهش هم توصیفی و هم تحلیلی‌است. توصیف اطلاعات، مقدمه‌ی تحلیل و نتیجه‌گیری قرار گرفته‌اس

## فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوعی و مباحث نظری

در این فصل به بیان چهارچوب نظری پرداخته و ساختارگرایی را معرفی می‌کنیم. به علاوه درباره‌ی دوگانه‌ها و نقش آن‌ها در متون شرح داده خواهد شد. در ادامه، پیشینه‌ی پژوهش درباره‌ی مطالعه‌ی ساختاری دوگانه‌ها و همچنین تطبیق اساطیر و داستان‌های آفرینش ارائه می‌شود.

## ۱ چهارچوب نظری

امروزه تئوری‌پردازی در ادبیات نیاز به پژوهش‌های بنیادین فلسفی و انسان‌شناسانه دارد. یکی از مسائل مهمی که هم در عرصه‌ی معنی و هم در عرصه‌ی ماهیت ادبیات مدام ذهن ما را به خود مشغول می‌کنند، دوگانه‌ها هستند. مطالعه‌ی دوگانه‌ها و شناخت آن‌ها که دغدغه‌ی برخی از محققین جهان است، زیرساخت بسیاری از مطالعات بعدی، از جمله تئوری‌پردازی‌های ادبی قرار می‌گیرد. ما برای این مطالعه، ساختارگرایی را برگزیده‌ایم و در ادامه دلیل این انتخاب، اهمیت دوگانه‌ها و هدفمان در این پژوهش را شرح خواهیم داد.

## ۱ ۱ ساختارگرایی:

آگاهی اصلی ساختارگرایی این است که واقعیت (که شامل معنی است) نه در اجزا بلکه در رابطه‌ی آن‌ها به عنوان بخشی از یک نظام یافت می‌شود (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۸).

گرچه امروزه به نظر می‌رسد دوران اوج ساختارگرایی به عنوان یک شیوه اصلی و رایج تحلیل در علوم انسانی گذشته است، نظریه‌های جدید و موفق حول همین آگاهی جمع می‌شوند. وقتی نظریه‌ی نهادی که از دهه‌ی ۱۹۶۰ جریان اصلی زیبایی‌شناسی است، (لامارک ۱۳۹۶، ۱۲۴) ادبیت را بر خلاف تمام تلاش‌های پیشین، نه در متن و نه در خواننده و نه در نویسنده، بلکه در رابطه‌ی آن‌ها به عنوان بخشی از نهاد ادبی یافت (اسکیلئوس ۱۳۹۴، ۱۲۲-۱۲۴)، این آگاهی را زنده کرده بود.

اولسن که یکی از آغازگران نظریه‌ی نهادی است بیان می‌کند که رابطه‌ی بین متن و خواننده بر اساس قوانینی نامرئی هدایت می‌شود؛ قوانینی که در متون ادبی بیان نمی‌شوند، بلکه توسط یک نهاد

ادبی موفق و غالب پرورش می‌یابد و اساس ارتباط خواننده با متن قرار می‌گیرند و انتظارشان از هم و نسبت عمل‌شان با هم را قاعده‌مند می‌کنند. شناخت این قوانین نامرئی که بر نهاد یا نظام ادبی حکم می‌راند، راه ورود به آن نهاد، به عنوان گروهی خودی و درک تولیدات آن است. (اسکیلئوس ۱۳۹۴، ۱۲۲-۱۳۰) همان‌طور که رمزگان یا لطیفه، جهان را به دو گروه خودی و ناخودی تقسیم می‌کند، خودی کسی است که قوانین رمزگان را می‌شناسد و معنای تولیدات آن را درمی‌یابد و یا ظرافت‌های پشت لطیفه را می‌داند و به آن معنای پنهان پی می‌برد (اسکولز ۱۳۹۳، ۶۱))

این قوانین نامرئی بر بسیاری از روابط انسانی حکمرانی می‌کنند. برای مثال زیبا چیزی است که از قوانین زیبایی پیروی کند. گروهی از مرجعین مد در جهان با شناخت این حقیقت دانستند که می‌توانند به جای تلاش برای تطبیق خود با قوانین زیبایی، خودشان را به مرجع قانون‌گذار تبدیل کنند. در نتیجه امروزه احساس زیبایی در جهان بستگی زیادی به قوانینی دارد که آن‌ها هر ساله در مجله‌های خود منتشر یا از طرق دیگر اعلام می‌کنند.

یکی از سوالات مطرح شده این است که آیا این قوانین ثابتند؟ پاسخ عصر ما به این سوال متفاوت از قرن‌های پیشین است؛ زیرا ما در عصری زندگی می‌کنیم که قوانین حاکم بر هر نهادی، چه اخلاقی، چه انسانی، چه ملی، چه دینی و ... به سرعت تغییر می‌کنند و به تبع آن، آن‌چه که می‌تواند ادبی، زیبا، اخلاق‌مند، هوشمند، آزاده، احمق، یا صاحب هر ویژگی دیگری فرض شود، اشکال متفاوتی پیدا می‌کند. در گذشته تغییر این قوانین نسل‌ها یا شاید قرن‌ها طول می‌کشید، آن‌قدر که اگر کسی به مطالعه‌ی متون اسطوره‌ای یا متون کهن بپردازد به این نتیجه می‌رسد که قوانین ثابتند.

حال اگر بپذیریم که این قوانین متغیرند، سؤال بعدی این است که آیا می‌توان نتیجه گرفت که ذهن انسان و جهان او از هیچ قانون ثابتی پیروی نمی‌کند. پاسخ ساختارگرایی به این سؤال منفی است و باور دارد که ذهن انسان و جهان او بر پایه‌ی قوانین کلی و ثابت اداره می‌شود (مختاریان ۱۳۹۵، جانسون ۱۳۹۵، اسکولز ۱۳۹۳، ۲۱). برای مثال همین که ادبیت، رابطه‌ای است که قوانینی بر آن حکم می‌راند و این قوانین مختص به هر نهاد ادبی است، خود شبیه یک قانون کلی و ثابت است.

البته ثبات یا تغییر این قوانین مسأله‌ی این پژوهش نیست؛ هدف ما در این پژوهش پاسخ دادن به این سوال است که این قوانین (چه ثابت و چه متغیر) چه اهمیتی دارند، چرا باید شناخته شوند و راه شناخت آن‌ها چیست.

این قوانین نامرئی را می‌توان "فرهنگ" نامید. فرهنگی که پشت متن ادبی حضور دارد، دانشی مشترک و نهادینه است که خالق متن آن را برای خواننده‌اش مفروض می‌داند و خواننده، متن را بر اساس آن درمی‌یابد و تفسیر و معنا می‌کند. تودوروف اعلام می‌کند که قوانینی عام و نامرئی که از سوی جامعه‌ی فرهنگی مسلم فرض می‌شوند، بر هر روایت حاکم است. شناخت این قوانین ما را به ملاحظات

معناشناختی برون‌متنی راهنمایی می‌کند (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۶۴) حرکت از متن به سمت فرهنگ پشت آن، حرکت از فرم به سمت معنا است.

اما "فرهنگ" آن‌قدر عمومی است که ما دوباره خودمان را در معرض آن اتهام قدیمی نسبت به ساختارگرایان می‌یابیم که ساختارگرایی فردیت اثر و فردیت ذهن خالق و فردیت ذهن خواننده را نادیده می‌گیرد و انکار می‌کند.

در جواب به این اتهام باید این جمله‌ی تزوتان تودوروف را تکرار کرد که: هیچ متن قابل درکی، یگانه نیست (اسکولز ۱۳۹۳، ۲۰۴). اگر متنی مطلقاً فردیت داشته باشد قدرت انتقال معنا نخواهد داشت. متن فهمیده می‌شود چراکه دارد از یک فرهنگ زبانی که خواننده آن را مفروض می‌داند پیروی می‌کند؛ معنای متن منتقل می‌شود، چراکه خواننده آن را در قالب فرهنگی انسانی، اجتماعی، هنری و ... تفسیر می‌کند. لازم به ذکر است که گاهی قانون‌شکنی یک متن و عدم پیرویش از یک فرهنگ برای خواننده معنادار است؛ اما وقتی که متن در چهارچوب قانون و فرهنگی قرار داشته باشد. فردیت متن و خلاقیت آن در مرحله‌ی دوم، در چگونگی به استفاده درآوردن آن فرهنگ است.

در تأیید این مطلب، از سخن آیخنبوم یاد می‌کنیم که: واقعیت آن‌قدر گسترده است که ما هرگز آن را نخواهیم فهمید مگر در یک نظام شکل گرفته‌ی محدود، به همین دلیل از نظر او حقیقت خلق می‌شود و فرم و محتوا یگانه‌اند (اسکولز ۱۳۹۳، ۱۱۷). (آیخنبوم این حرف را درباره‌ی تاریخ گفته است و استروس به شکلی درباره‌ی اسطوره تکرار کرده است (مختاریان ۱۳۹۵، ۱۷۵) بنابراین هر معنایی که منتقل می‌شود ارتباطی است در چهارچوب یک نظام محدود، که به نظر نگارنده بهتر است از آن به عنوان فرهنگ یاد کنیم.

## ۲ ۱ مطالعه‌ی نظام

چه زمانی و با چه هدفی باید به مطالعه‌ی نظام (مطالعه‌ی ساختارگرایانه) پرداخت؟

در مطالعه‌ی متن و جست‌وجوی معنای آن علم هرمنوتیک یکی از علوم پیش‌تاز است. علمی که گاه‌گاه در برابر ساختارگرایی قرار گرفته است و رقیب آن محسوب شده است.

وقتی ذهن خواننده و ذهن خالق اثر به یک نظام فرهنگی تعلق دارند یا به عبارت دیگر، خواننده متنی را می‌خواند که فرهنگ خودش تولید کرده است، آن قوانین نامرئی و روابط ساختارمند در ذهن خواننده حاکم‌اند، راه برای انتقال معنا باز است و خوانش هرمنوتیکی می‌تواند خوانشی زنده، زیبا و مفید باشد، مانند زمانی که دوست زنده‌ی ما کنارمان نشسته است و ما می‌توانیم از نگاهش، حرکات بدنش، آهنگ کلامش و رنگ رخسارش بخشی از معنای او را دریابیم.

اما اگر روابط ذهنی تغییر کرده باشد، خواننده قوانین فرهنگی ذهن خود را به متن تحمیل می‌کند و معنایی می‌آفریند که ممکن است به زیبایی به قامت اثر ننشیند. امروزه یکی از کارکردهای هنر همین